

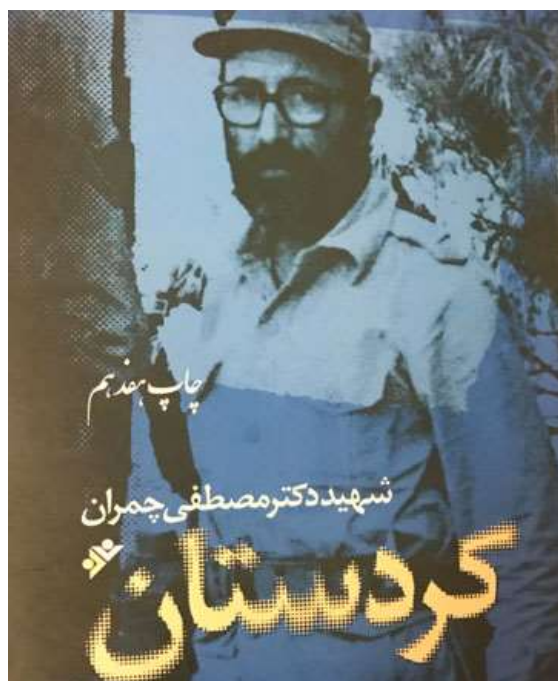
آپارتاید اسلامی دکتر چمران !

از رشاد - مصطفی سلطانی

دوازدهم فیبرآری ۲۰۱۸

تینگ شیائو پینگ رئیس جمور چین گفته است : اگر گربه موش بگیرد ، مهم نیست رنگ گربه سیاه یا زرد باشد .

داعش شیعه و داعش سنی ، دو جریان اسلامی تندرو هر دو مخالف استقلال و حق تعیین سرنوشت ملت کرد هستند . چاپ هفدهم کتابی بنام " کردستان " از دکتر مصطفی چمران * بیرون آمده که شایان بررسی است . حوادث کردستان را ، یکی از بزرگترین مشکلات داخلی انقلاب اسلامی ایران تعریف کرده است . در مقدمه نوشته شده که آقای چمران فرصتی نداشت تا بتواند وقایع را گویاتر از هرکس دیگری برشته‌ی تحریر در آورد و اگر در حال حیات می بود کتابش نفیس و ارزنده تر میبود . مطلب را دیگران گردآوری نموده که منسجم و مرتب نبوده و از سه منبع تهیه گردیده است . اول: دست نوشته‌های آقای چمران که پیرامون حوادث پاوه نوشته شده‌اند . دوم: سخنرانی های پراکنده‌ی ایشان در مورد مسایل کردستان و سوم : یادداشت های گوناگون ایشان در ارتباط با مسئله‌ی کردستان . آقای چمران ادعا دارد که اگر همه‌ی رهبران انقلابی جهان را سر هم بگذارند ، از یک موی رهبر عالیقدر انقلاب اسلامی کمتر است . آیا با ترازوی اسلامی آقای چمران نیلسون ماندیلا ، اولاف پالمه ، چه‌گوارا ، ماهاتما گاندی ، هوشی مین ، مارتین لوترکینگ ، ابراهام لینکلن رهبر بحساب می‌آیند؟ در کتاب از سیطره‌ی احزاب چپ در کردستان سخن گفته که تحلیل و تفسیری عادلانه نمی باشد و در ضمن تاریخ ، داستان سرائی نیست و " علم " است . و هر انسان دمکرات و عدالت خواه الزاما مارکسیست - لنینیست نبوده و نیست . ونمایندگان واحزاب و نیروهای آزادیخواه و انقلابی را جاسوسان بیشرف ، مزدوران بی وطن و خود فروخته ، دست نشانده‌ی صهیونیزم و آمریکا و بعث ، کافران ، منافقین ، جرثومه‌ی فساد ، منفور و ملعون ، حمال های استعمار ، علف های هرزه ، و خبیث نامیده است .



نقده!

شهر نقده را ترک نشین و دروازه‌ی آذربایجان اعلام نموده ، که بر اساس جمعیت شناسی و دموگرافی یک ارزیابی نادرست و مغرضانه میباشد . این شهر دولیتی و ساکنین آن کرد زبان و ترک زبان بوده و ، از زمان رضا شاه تا کنون همه‌ی قدرت اجتماعی و سیاسی شهر را به ترک زبان ها تفویض نموده و کردها کماکان مورد ستم مضاعف قرار گرفته و، علیرغم تبعیضات حکومت های شاهی و مذهبی نسبت به جمعیت کرد نشین ، ساکنین شهر زندگی مسالمت آمیزی با همدیگر داشتند . زمانیکه جمهوری اسلامی هژمونی سیاسی را بدست آورد ، زمینه و بستر اختلافات را بین این دو ملت دامن زد و نبود تفاهم و دیالوگ و احترام به همدیگر و ، تحریکات مستقیم حکومت و عوامل وابسته به رژیم، جنگ نقده را بیار آورد.

مکتب قران و تصفیه‌ی آزاد مردان : ۲-

در صفحه‌ی ۳۹ کتاب، آقای دکتر چمران تحت عنوان (تصفیه‌ی آزاد مردان) اظهار نموده‌است . " احزاب چپ بعد از خلع سلاح نیروهای انتظامی و قتل و غارت در پادگان های مهاباد، بانه و سردشت و بعد از نابودی نیروهای دولتی در منطقه ، دست به تصفیه‌ی نیروهای مذهبی مخالف خود زدند . در مهاباد ، سقز ، اشنویه ، جلدیان و بوکان بمکتب های قرآن حمله کردند و رگبار گلوله بر آنها گشودند . و این مراکز را به آتش کشیدند ، که جرم آنها فقط تفسیر قرآن در شب های جمعه بود و ، التزام آنها باسلام و احیانا پشتیبانی از انقلاب اسلامی ایران و اصولا مسلح نبودند " . آیا دیکومینت و سند معتبری در روزنامه های احزاب چپ که در شهرهای مهاباد ، سقز، اشنویه، جلدیان و بوکان به

مکتب قرآن حمله کرده باشند ثبت شده است؟؟ جمهوری اسلامی نشریات نیروی چپ را همیشه آرشیو می نمود و، اگر دیکومینت و سندی میبود چرا کوی آنها و حملات در کتاب درج نگردیده است؟ از آنجا که مکتب قرآن در شهرهای مریوان و سنندج با روند مبارزات مردم کردستان همسوئی نداشتند و مورد تنفر بودند، در جوار سیلاب و طغیان مبارزات توده ها و از طرف جوانان بی تجربه و احساساتی و تشکیلات های چپ مورر تعرض قرار گرفتند و، اساسا این فنومن را هرگز نمیتوان انکار و کتمان نمود. از دیدگاه نیروهای انقلابی و مخالف رژیم، مکتب قرآن در مخالفت با رفع ستم ملی و خواست های عادلانه و انسانی مردم کردستان با جمهوری اسلامی همکاری بدون مرز و اشکاری داشتند و رنجبران، روشنفکران و ستم دیدگان مواضع آنها را قبول نداشتند و نمی پسندیدند. اکثریت شهروندان سنندج و مریوان شاهدند که اعضا و هوادارانشان در مساجد مشغول شتشیوی مغزی جوانان و در جوار کار و خدمت روتین به جمهوری اسلامی، بر علیه مردم کردستان جاسوسی کرده و با چشمان بسته انقلابیون کردستان را در خیابان ها، کوچه ها و زندان ها شناسائی نموده و در خدمت شیخ صادق خلخالی و آقای چمران در کشتار انقلابیون خصوصا در شهرهای مریوان و سنندج فعال و تاثیر گذار و شریک جرم بوده اند. در این راستا خدمات مشعشع و مشورت های مشاورین همدان نشین و کمک های بیدریغ مکتب قرآن به جمهوری اسلامی در تاریخ ثبت و جاویدان است. بر خلاف اظهارات دکتر چمران افراد مکتب قرآن مسلح بودند و "گروه ترور" را در مریوان با ترکیبی از عناصر مشکوک و کهنه ساواکی و جوانمردهای سابق ژاندامری سازماندهی کرده بودند. که کارت گروه ترور در میان وسایل یکی از زخمی هایشان در بیمارستان پیدا شد و در موردش افشاگری گردید.

۳- مبارزات مدنی شهروندان مریوان!

آناتومی دکتر چمران مبارزات مدنی شهروندان مریوان که آوازه و شهرت بین المللی پیدا کرده بود با عنوان "توطئه" و بطور بی نهایت سطحی و بیرمق بحث کرده است. این شهر در مجموع با نیروهای سیکولار و چپ تداعی میگردد. از نیروهای چپ که در کردستان و مریوان فعال بودند تنها به چریک های فدائی و گاه و بیگاه به حزب دمکرات اشاره شده است. اما کومهله حرف اول را میزد و پایگاه و اتوریتیهی اجتماعی گسترده و وسیعی داشت و وزن اجتماعی در خاورمیانه مطرح بود. علیرغم اینکه کومهله جایگاه وزین و قدرت سیاسی و نیروی مسلح فداکار و پیشروی داشت و، در همهی رویدادهای کردستان حضور داشته و در مبارزه بر علیه ارتجاع بومی و در برابر جمهوری اسلامی بدون تزلزل و سازشکاری و در جبههی مقدم با سرافرازی مبارزه کرد، چهار بار به کومهله در صفحات ۱۳۴، ۵۳، ۱۳۶، ۱۳۷ اشاره گردیده و در صفحهی ۱۳۱ بشیوه ای مرموز بجای کومهله، حزب "کموله" نوشته شده است

. اگر چه آقای چمران کاک فوآد را در مذاکرات خسته کننده‌ی فرمانداری مریوان از نزدیک می شناخت و متدلوژی و جهان بینی و رهبری و اتوریتیهی کاک فوآد را با چشمان خود دیده بود، اما آگاهانه در مورد ایشان سکوت کرده است . در دکترین کاک فوآد تاکتیک و میز مذاکره ، سنگر وزین و معتبری بود و، بار ها در حضور شهروندان مریوان و مردم کوچ کرده در اردوگاه کانی میران گفته بود : اگر یک ساعت جنگ تحمیلی را به عقب بیاندازیم ، ما پیروزی نسبی بدست آورده ایم . آقای چمران می گوید که توطئه‌ی مریوان را با صلح و صفا حل کرده اند . و بزرگان شهر نظرات او را پذیرفته اند . جای پرسش است چرا یک نفر از بزرگان شهر را معرفی نکرده است ؟ آقای چمران ساختار و بافت شهر مریوان را در دورانه‌ی چادر نشینی و طوایف و عشایر و مرد سالاری تصویر نموده و تحلیل کرده است . در آنوقت شهر مریوان و اکثر شهرهای کردستان شورای منتخب خود را که ترکیبی از نمایندگان مختلف و دگر اندیشان بودند ، داشتند که یک دستاورد گرانبه‌ای تاریخی بود . و مردم با فرهنگ و کلتور عقب مانده و فرهنگ " بزرگان شهر " کاملاً بیگانه بودند . و مردم خصوصاً رنجبران شریف روستای " دارسیران " سال ها با ساواک و فیئودال ها و ژاندار مری و حاکمین شهر در گیر و مبارزه نموده بودند . این پتانسیل و ظرفیت مبارزه ، با دوران شبانی و چادر نشینی و مردسالاری مورد نظر آقای چمران که با بزرگان شهر تماس داشته هیچگونه هماهنگی و تطابقی ندارند . شاید نظرات آقای چمران با بزرگان شهر با، ساکنین بارگاه‌های خان ها ، سرای بیگ زاده‌گان، کلبه‌ی کدخداها، تکیه‌ی شیوخ و دروایش ، دولت سرا ی رکن دوی ارتش و ساواک ، کمیته‌ی امام و مکتب قرآن بوده که نظراتش را پذیرفته اند .

۴- داد پروری !

دکتر چمران میگوید که فقط دادستان انقلاب و یا دادگستری حق رسیدگی به اتهامات مجرمین را دارند . جنبش مدنی یک شهر که در کوچ تاریخی پژواک و انعکاس جهانی یافته بود ، با سخنرانی کاک فوآد پایان یافت ، و سپس تقریباً پاسداران و ارتش بطور خزنده در شهر حضور یافتند . پاسدار ها با کمک مکتب قرآن همسر راه‌های خروجی شهر را کنترل کرده و ، نه ۹ نفر از انقلابیون شهر را اسیر و بجای دادستان انقلاب و دادگستری با مشورت مکتب قرآن و عناصر کهنه ساواکی در دادگاه " اسلام ناب " بدون تشکیل پرونده و اجازه‌ی دفاع و وکیل مدافع بدستور خمینی و شیخ صادق خلخالی تیر باران گردیدند . می بایستی تمام سران جمهوری اسلامی و شخص آقای چمران با دیدن صحنه‌های اعدام در فرودگاه سنندج شرم میکردند ، که یکی از برادران ناهید ، اسیر و روی تخت برانکارد قرار داشت ، و آقای ناصر سلیمی که دستش زخمی بوده ، بگلوله بستند . آیا به پرونده‌ی این آزادگان دادستان انقلاب و یا دادگستری رسیدگی کرد ؟ شوک

کشتار و قتل عام ها در سراسر کردستان و خصوصاً در فرودگاه سنندج و پادگان مریوان ، افکار عمومی را بشدت آزار و تکان داد و ، جمهوری اسلامی را رسوایی جهان نمود .

۵- جنبش مدنی و انقلابی کردستان!

در کتاب آقای دکتر چمران حقیقتاً بدرستی مسئله‌ی جنبش را بررسی کرده و میگوید: "سقوط کردستان فقط متضمن تجزیه یک منطقه از خاک وطن نبود ، بلکه معادل نابودی انقلاب و استقلال ایران بود ." مردم کردستان به جمهوری اسلامی جواب " نه " گفتند و هیچ توهمی نسبت به ماهیت رژیم اسلامی نداشته و در راستای گفتگو و دیالوگ و مذاکره ، آخرین تلاش را از طریق هیئت نمایندگی خلق کرد انجام دادند ، که جواب مثبتی را نگرفتند . و مردم کردستان به پشت بام ها نرفتند که عکس امام خمینی را در کره ماه به بینند . به آخرین کانال حل ستم ملی پناه برده و سپس در برابر فرمان جهاد آیت الله خمینی با جنگ مسلحانه از کرامت ملت کرد دفاع نمودند . جمهوری اسلامی برای اینکه امواج و تاثیرات جنبش انقلابی کردستان به خوزستان ، گنبدکاووس ، آذربایجان ، بلوچستان و گیلان سرایت نکند با قدرت مضاعف کردستان را محاصره و سرکوب کرد . از لغزشهای اپوزیسیون جمهوری اسلامی در کردستان هیچگونه دفاعی نمیتوان کرد . و بیگمان در مواقعی کجروی و چپ روی ، کردارهای ناشایست ، بی عدالتی ، سکتاریزم ، تحجرات حزبی بر سیاست هایشان سایه‌ی تاریک انداخته بود . با تمام تفاسیل مردم کردستان از سرزمین اشغال شده ی خویش دفاع کرده‌اند و می کنند . لذا بیرون راندن نیروهای اشغالگر خواست تاریخی ملت کرد است . اگر خواست ها ی صلحدوستانه و عدالت خواهانه‌ی مردم کردستان که از کانال های مذاکرات و دیالوگ و تفاهم گذر میکرد ، توسط حکومت مرکزی جواب مثبت می گرفت و حل میگردید ، طبعاً کسی دست به اسلحه نمی برد . در طول تاریخ و در واقع جنگ مسلحانه را اشغالگران بر انقلابیون کردستان تحمیل کرده‌اند . اما زمانیکه همه کانال های مدنی و بشردوستانه بسته شده و مردم کردستان جواب خواسته‌هایشان از جمله: طرح هشت ماده‌ای مه‌آباد و پلاتفورم ۲۶ ماده‌ای و آمادگی هیئت نمایندگی خلق کرد در راستای دیالوگ و گفتگو را با توپ و بمباران و کاتیوشا و اعدام ها میگیرند و تنها کانال گفتگو لوله‌ی تفنگ هاست ، مبارزات مسلحانه و جنبش های مدنی کماکان اولویت داشته و دارند . در کدام قانون و پیمان بین المللی تجزیه ، تاوان و جرم ارزیابی شده‌است؟ مردم کردستان بهیچ وجه نمی خواهند که کردستان مستعمره‌ی مشترک چهار حکومت اشغالگر باشد ! اگر از پدیده‌ی " تجزیه " ترجمه‌ای انسانی و جامعه شناسانه ارائه دهیم ، تجزیه در ماهیت خویش بمعنی جدا شدن خاک جغرافیائی از سرزمین های ایران ، عراق ، سوریه و ترکیه نیست . و جدا شدن خاک جغرافیائی حقیقتاً امکان عملی ندارد و هیچ قدرتی نمیتواند این گسستگی و جدائی جغرافیائی را انجام دهد . تجزیه و جدائی

یعنی نیروهای اشغالگر از سرزمین کردستان بیرون بروند و سرنوشت مردم کردستان را بدست خودشان بسپارند. در این فاز تاریخی که به غلط تجزیه و جدائی لقب گرفته است، سرزمین کردستان کماکان با کشورهای همسایه، که زمانی اشغالگر بوده‌اند پیوند جغرافیائی، ناگسستگی و زمینی خواهد داشت. آقای چمران در بالاترین سطح " حکومت محلی " را قبول دارد، آنها قدرت را به کسانی واگذار میکند که به انقلاب اسلامی و استقلال ایران معتقد باشند. و مستقیماً با اصل حق تعیین سرنوشت ملت‌ها و جدائی تا سرحد تشکیل کشور مستقل، مخالفت می‌کنند و مرز پر گهرو تمامیت ارضی را می‌ستایند. زمانیکه حکومت‌های منطقه‌ای خاورمیانه بشیوهی دموکراتیک و با رعایت اصول دموکراسی اداره شوند، زندگی مسالمت آمیز در شرایطی که ستم ملی برطرف شود و حقوق شهر وندان کردستان هم‌ردیف و در سطح حقوق شهروندان کشور های خاورمیانه باشد، امکان پذیر است.

۶- حوادث پاوه!

در تحلیل و نگارش جنگ پاوه، اوج بی صداقتی از جملات لبریز است. در کتاب آمده که دزدان قلخانی و جوانرودی شهر پاوه را تالان کرده‌اند. در دنیای بی رحم با سیستم های درنده و توتالیتر در حقیقت دزدهای حرفه‌ای، بانک تاسیس می‌کنند و دزدهای معمولی بانک را سرقت می‌نمایند. بلاشک جمهوری اسلامی خالق و بوجود آورنده‌ی هزاران بانک در ایران است. توهین و افترا به هر کسی و تحت هر بهانه‌ای در دنیای متمدن امروز جرم است. بلاشک لغزشهایی در میان مردمان قلخانی و جوانرود دیده شده‌است. اما نویسندگان شریف مجاز نبوده و نیستند که همه مردم آن مناطق را دزد خطاب کنند. آقای چمران بارها از مردم مومن کردستان سخن گفته اما در بخش باصطلاح آزاد سازی سردشت، چونکه مردم سردشت، کانون جاسوسها و بزرگترین عامل سرکوب مردم یعنی پادگان شاهنشاهی _ اسلامی را خلع سلاح نموده همچون " اقوام وحشی " توصیف میکند. سازش ناپذیری و مبارزات عدالت خواهانه‌ی شهروندان مهاباد در فاز وسطی بوده و هست که هرگز جمهوری اسلامی نمی‌تواند مردم مهاباد را به تسلیم وا دارد و، در کتاب با عنوان " سر افعی در مهاباد است! " یاد شده‌است.

۷- درمورد جناب " شیخ عزالدین حسینی! "

تاریخ یگانه دآوری است که قضاوت منصفانه‌ای دارد. جناب شیخ عزالدین حسینی انسانی دموکرات و عدالت خواه و صاحب مواضع بشر دوستانه بود. و همیشه منافع و سعادت تهیدستان و رنجبران جامعه را، بر منافع احزاب، گروه‌ها و شخصیت‌های سیاسی ارجحیت میداد. مواضع ایشان با روند تاریخ و گلوبالیزم و دنیای مدرن هم سفر بود. تفسیر، ترجمه و تحلیلی علمی و منطقی از دین و مذهب به جوامع بشری و معتقدین به اسلام ارائه دادند

. و بلا شک شایسته‌ی احترام و قدردانی است . و در کتاب با گفتاری وقیح و نازل از جناب " شیخ عزالدین حسینی " یاد شده‌است .

۸- محاصره و مرگ کاک فوآد !

شرکت دکتر چمران برای محاصره و بدام انداختن و کشتن کاک فوآد بشیوه‌ای جالب در کتاب بازگو شده‌است . در صفحه‌ی ۱۱۶ می گوید:

"..... ما خود را به محاصره می انداختیم ، ما خود به داخل حلقه‌ی محاصره فرود می آمدیم . آنچنان نبود که دشمن بیاید و ما را محاصره کند . ما درست در وسط حلقه‌ی دشمن پیاده میشدیم و آنها را از داخل منفجر میکردیم . باین علت بود که در اخبار گفته میشد مثلا ما در " بسطام " بین مریوان و بانه " به محاصره افتاده‌ایم . نهم شهریور ۵۸ کاک فوآد جان باخت ، در روز دهم شهریور ۱۳۵۸ دکتر چمران نامه‌ای خطاب به نیروهای مسلح اسلامی و سپاه پاسداران و همکارانش نوشته و از خدمات آنها سپاسگذاری کرده که در صفحات ۱۱۸، ۱۱۷، ۱۱۹ درج گردیده‌است ."

بر خلاف ادعا های کمیته‌ی مرکزی کومه‌له ، که مرگ کاک فوآد را بر فاکتور های قضا و قدر تحلیل و تفسیر کرده و همیشه در مواضعشان آنرا " تصادفی " عنوان میکردند شواهد انکار ناپذیر تاریخی گواهی میدهند.



که جمهوری اسلامی و همکاران بومیش، طرح و پلان دقیق و نقشه مندی را در بسطام اجرا کردند . دشمن شبکه‌ی گسترده‌ی ساواک و اطلاعات و طیف جاسوسانش را در

منطقه‌ی مریوان فعال نموده بود . و دقیق ترین اطلاعات را از جاسوسانش در شهر بانه کسب کرده بود . و سفر های کاک فوآد را کنترل کامل نموده و حتی میدانستند که نیروی تعیین شده از طرف اتحادیه‌ی میهنی برای حفاظت از جان کاک فوآد بسر پرستی آقای ابراهیم جلال ، بطور آگاهانه و عمد ، این نیروی پیشمرگ در رفت و برگشت بانه _ مریوان با کاک فوآد همراه نیستند .

۹- قتل عام روستاهای کردستان !

در مورد قتل عام روستای قارنی اعترافی شرمگینانه صورت گرفته است و در کتاب وجود دارد . اگر چه در لفافه‌ی انتقام جوئی ترک هائی که چند روز قبل در این روستا کشته شده‌اند ، بازگو میگردد، اما بیان این تراژدی و اعتراف در مورد قتل عام مردم بیگناه روستا مضمّن کننده و تهوع آوراست . زیرا این تراژدی از طرف ماسمیدیای جهانی افشا گردید و قتل عام مردم روستای قارنی با سازماندهی و پلان سپاه انجام گرفته بود . که مستقیماً جنایت سپاه را کتمان کرده و کلمات انتقام جوئی ، را عنوان کرده که مستمسکی برای دفاع از سپاه پاسداران باشد . همین تراژدی و قتل عام در روستاهای : قه‌لاتان ، سوفیان و دارملهک بشیوه‌ی وحشیانه تری از طرف سپاه تکرار گردید . پیکر خون آلود رنجبران این روستاها ، لوح های پاک و نانوشته‌ای بودند ، که وجدان بشریت فقط می توانست عنوان " فاشیزم " را بر پیکرها بنویسد و تداعی نماید . جمهور اسلامی در برابر این قتل عام ها سکوت محض کرده است .

۱۰ - برادران کرد مومن از دیدگاه سیستم حکومتی :

در توصیف مردم کردستان و برای فریب افکار عمومی به کلمات برادر و مومن پناه برده ، که در حقیقت فریبنده و توخالی می باشند . از دیدگاه و متدلوزی آقای دکتر چمران ، اگر گربه موش بگیرد ، مهم نیست رنگ آن زرد یا سیاه باشد . فریب خوردگان و برادران کرد مومن و جاسوسان را در کردستان سازمان داده تاملت کرد را کماکان در اسارت و عقب ماندگی نگاه دارند.

در مجموع این کتاب با پنجاه عکس مزین شده‌است . و با این همه کمک که از طرف اکراد فریب خورده به سپاه و نیرویهای سرکوب تقدیم شده و راه و چاه را به اشغالگران نشان داده‌اند، تنها بطور تصادفی در یک عکس فریب خورده‌ای با لباس ملی و کردی پیداست . برادران کرد مومن از زمان تسلط رضا شاه تا کنون اجازه‌ی ساختن یک مسجد را در تهران نیافته‌اند . اما برادران مومن با سپاه پاسداران و شیخ صادق خلخالی و دکتر چمران

، که همه‌ی حوادث و رویداد های بزرگ کردستان با کمک و یاری آنها پروسه‌ی سرکوب انجام پذیرفته همکاری گسترده‌ای کردند .

۱۱- مواضع و تفکرات دکتر چمران :

اندیشه‌های آقای چمران راه بجائی نمی برند . دیواری تاریک و مه‌آلود حصار ذهنش شده‌است . فرمان جهاد آیت الله خمینی بکردستان را " انقلابی " توصیف نموده و اهمیت این فرمان یعنی جهاد بر علیه مردم کردستان را یک مسئله‌ی مهم تاریخی بیان کرده‌است . جناب سالوادور آلنده بیان گرانبها و با ارزشی در این مورد دارد و می گوید : تاریخ نه با سرکوب متوقف می‌گردد و نه با جنایت .

در ضمن دین و مذهب رابطه‌ی کاملاً خصوصی افراد با کردگار و یزدان است . در این کتاب مردم و انقلابیون کردستان را جانپان و کافر و بی دین لقب داده‌است . انتخاب دکتر چمران با تحصیلات سطح بالای آکادمیک و دانشگاهیش همخوانی و انطباق ندارند . دین و مذهب را نمیتوان با زور و ستم بر کسی قبولاند . جامعه‌ی قرن بیست و یک، ملقمه و رنگین کمان و ترکیبی از دین دار ها و بی دین ها می باشد . زمانی به دموکراسی و عدالت اقتصادی و اجتماعی احترام گذاشته‌ایم که پذیرش دین و مذهب بر اساس دعوت و متقاعد کردن انجام گیرد و منطقی نیست دیگران را مجبور به قبول ادیان نمود . ایشان بجای همکاری با سازمان فضا نوردان " ناسا " و کمک به پرتاب ماهواره‌های فضا نورد به کیهکشان ، پرتاب کاتیوشا ، توپ و نارنجک را بسوی مردم کردستان انتخاب نمودند و بر گزیدند . حقیقتاً انتخاب ایشان خردمندانه نبود . و بعنوان واقعیتهای انکار ناپذیر خوشه‌های خشم را در کردستان بارور نمود . خطاب های دکتر چمران فقط آقایان است و اساساً تعجبی ندارد که برای زنان و دختران رزمنده و انقلابی و صادق و شریف کردستان که در مبارزات مدنی و مسلحانه و زندانها مبارزه کرده‌اند و جان باخته‌اند ، احترامی قایل نیست . و بین مواضع دکتر چمران با مردان متعصب یهودی ، که خداونگار را شکر گزارند که آنها را بصورت " زن " خلق نکرده‌است ، چه اختلاف و تمایزی وجود دارد ؟ و انقلابیون را جوجه‌های چشم و گوش بسته‌ی امیرالیازم روسیه و چین معرفی نموده‌است . اگر دکتر چمران زنده بود می دید که اکنون با کمک سرویس های اطلاعاتی روسی و چینی که در خدمت هستند ، سانسور بر قرار شده و حکومت توتالیتر را مستقیماً حفاظت می کنند .

دکتر چمران در میان وزمندگان پادگان مریوان.



اقای دکتر چمران مابین دو خلبان انتحاری ، در پادگان مریوان .

۱۲. تشکیلات جهاد سازندگی

در جوار تشکیلات جهاد سازندگی ، ارگانهای و گروههای سازمان یافته‌ی مخفی در شهرها و روستاها بر علیه ملت کرد به جاسوسی می پردازند . و شوراها روستاها نیز در موارد فراوانی با جهاد و تبلیغاتشان همکاری میکنند . جهاد سازندگی یک ارگان سرکوب بوده که در کنار کارهای عمرانی، بمباران مغزها و تعقیب نیروی پارتیزان و فعالین مخفی کومله و حزب دمکرات را شناسائی کرده و ، و زمینه‌های سرکوب اسلامی را مهیا و کردستان را به زندانی بزرگ تبدیل کردند.

***** دوازدهم فیبرآری ۲۰۱۸

روشنگری و اطلاعات ضروری :

۱ - آپارتاید : سیستمی خیلی بیرحم و سیاسی است. آپارتاید لغتی افریقائی است که مترادف با تبعیض و جدائی و تحقیر میباشد . و اکنون در مسایل سیاسی و اجتماعی مفهوم گسترده‌ای دارد.

۲ - بیوگرافی مختصر آقای دکتر مصطفی چمران : در دانشکده‌ی فنی دانشگاه تهران رشته‌ی الکترونیک را خوانده و بایورس تحصیلی بامریکا رفته و در دانشگاه تکزاس رشته‌ی فیزیک پلاسما و الکترونیک را خوانده و، عضو نهضت آزادی ایران بوده و، سال‌ها در سازمان " امل " در کشور لبنان خدمت نموده‌است . امل سازمان و تشکیلاتی متعلق به شیعیان لبنان است که در جنگ داخلی لبنان تاثیرات مخربی بر پروسه‌ی پایان یافتن جنگ داخلی داشت .